این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

کی‌روی، ره زکه پرسی، چه کنی چون باشی؟!

آیت‌الله ممدوحی(ره):
روزی در محضر مرحوم علاّمه طباطبایی بودیم که یکی از دوستان حاضر در آن جلسه این بیت عارف شیراز را زمزمه کرد: کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش | کی روی؟ ره زکه پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟
یک‌باره مرحوم علاّمه، دست در مقابل صورت گرفتند و سخت گریستند و در حالی که شانه‌هایشان به شدت تکان می‌خورد، با خود زمزمه می‌کردند: «کی روی؟ ره زکه پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟» گویا آن کس که در بیابان از کاروان بازمانده و راه نمی‌داند، خود او است. آن گریه، قلب حضار را چنان به آتش کشید که هرگز شعله آن در جانشان به سردی نمی‌گراید. رَحِمَهُ اللهُ وَأَنْزَلَه فِی جِوارِ قُرْبِه.
منبع: کانال تلگرامی «سیره فرزانگان» به نقل از شهود و شناخت، ج۱، ص۱۰۶، بوستان کتاب قم

تعبیری جالب در صحیفه سجادیه

محمد رستم‌پور در توئیتی نوشت: عرب به آب ته مانده چاه که هر چی سطل و دلو می‌فرستی برای دریافتش، می‌خوره ته چاه، میگه «نکد». دعای ۲۲ صحیفه سجادیه میگه «خدایا من رو به خلق وانگذار. اگر از نزدیکانم کمک بخوام، محرومم می‌کنند. اگر هم بخواهند کمک کنند، اندازه نکد کمک می‌کنند و بعد هم منت می‌گذارند و اذیت می‌کنند.»

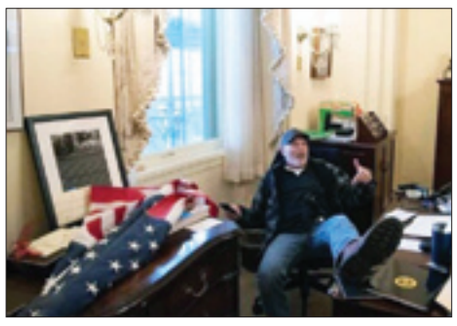

اگر ریچارد بارنت در ایران بود

عبدالله گنجی در توئیتی نوشت: ریچارد بارنت فردی که در راستای حمایت از ترامپ در جریان شورش و حمله به کنگره امریکا وارد دفتر پلوسی، رئیس سابق مجلس نمایندگان امریکا شد و پایش را روی میز گذاشت، به چهار ونیم سال زندان محکوم شده است، کاش ایران بود با ۲۴ ساعت زندان هم به عنوان معترض به جهان معرفی می‌شد. حالا گمنام.

زباله‌هایتان را در جوب نریزید

کانال تلگرامی «فرنگ‌نوشت» به نقل از گاردین نوشت: زباله‌های پلاستیکی میلیون‌ها نفر از فقیرترین مردم جهان را در معرض سیل قرار می‌دهد. زباله‌های پلاستیکی مسیرهای فاضلاب را مسدود می‌کنند و مانع تخلیه سیلاب‌ها می‌شوند. زباله‌هاتون رو نریزید تو جوی (جوب) و خیابون!

قاچاق ریشه‌دار کتاب

حسین جاوید در کانال تلگرامی خود نوشت: فقط در دوره ما نیست که کتاب را اصطلاحاً «قاچاق» می‌کنند، یعنی کپی غیرمجاز می‌گیرند و می‌فروشند، پشت جلد کتاب درسی شرعیات سال اول و دوم، نوشته میرزا حسن رشدیه، چاپ «شوال المکرم سنه ۱۳۲۹ [قمری]»، هشدار داده شده است که «همه‌جا بی‌مُهر دستی رشدیه ضبط نظمیه است»! پیداست کسانی نسخه‌هایی غیرمجاز از کتاب تهیه می‌کرده‌اند و می‌فروخته‌اند، آن هم در روزگاری که تعداد دستگاه‌های چاپ در ایران را شاید می‌شد با انگشتان دست شمرد!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به رونمایی از موشک خیبر ۴

خیبر با افتخار ساخت ایران

رونمایی از موشک خرمشهر ۴ با نام خیبر با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران این موشک را موجب اقتدار و عزت و امنیت در برابر دشمنان ایران دانستند. کاربران همچنین با بیان ویژگی‌های این موشک، نامگذاری آن را با عنوان خیبر، دارای پیامی خاص به خصوص برای صهیونیست‌ها بیان کردند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

نورالدین قدیمی:
تحلیل کوتاه شلیک موفق موشک خیبر: ۱-یک روز بعد از اظهارات نتانیاهو مبنی بر احتمال غافلگیری ایران در یک حمله احتمالی، وزارت دفاع از موشک بالستیک برد بلند خیبر رونمایی کرد. ۲-این موشک دارای سوخت جامد، با دقت متریک و برد ۲ هزار کیلومتر است. ۳-منابع اسرائیلی با اعلام ترس و شگفتی، نامگذاری این موشک را معنادار اعلام کردند.

امید نریمانی:
ماکزیمم زمان لازم برای پرتاب خرمشهر ۴ فقط و فقط ۷۲۰ ثانیه است. این یعنی ما فقط ۷۲۰ ثانیه لازم داریم تا شیشه عمر اسقاطیل رو بشکنیم.

سید رضی:
شما وقتی اسم خیبر رو میاری، تن و بدن یه عده می‌لرزه، حالا چه برسه به اینکه خیبر اسم یه موشک باشه و چه برسه به اینکه اون موشک، بزرگ و دارای قطر و ضخامت و البته نقطه‌زن باشه! #خرمشهر ۴

علی فرحزادی:
سَرجنگی ۱۵۰۰ کیلوگرمی، سرعت ۱۶ ماخ، برد ۲هزار کیلومتر، نقطه‌زن، مقاوم در برابر جنگال، بدون بال، با افتخار ساخت ایران.

حامد صراف پور:
پرتاب موفقیت‌آمیز موشک نقطه زن خیبر، که محصول ۳۰ سال تلاش دانشمندان ایرانی و رهبری پربار آیت‌الله خامنه‌ای است را به همه وطن‌پرستان و مدافعان امنیت ایران تبریک می‌گویم. کاش خودروسازی نیز در دست چنین انسان‌های مؤمن و وطن‌پرست بود.

حاج عماد:
شاید در ظاهر یه موشک باشه اما در باطن فریاد مرگ بر اسرائیل مظلومان جهانه... #خیبر

رضا عباسی:
آنها که باید بدانند، به خوبی می‌دانند که خیبر چه بردی دارد و اگر لازم باشد کدام پایتخت‌ها را می‌تواند با خاک یکسان کند. رونمایی امروز پیامی به رژیم صهیونیستی، به همراه چند رونوشت برای پایتخت‌هایی بود که شاید فکر می‌کنند که تهدید به جنگ می‌تواند یک اهرم فشار برای امتیازگیری باشد.

کیمیا مظفریان:
نهایت تأثر و تأسف، مصیبت عظمای وارده را به نتانیاهو و کلیه جنایتکاران رژیم منحوس تسلیت گفته و از درگاه خداوند برای آنان، صبر بر عذاب الیم مسئلت داریم. #خیبر خیبر یا صهیون

زهرا اشرفی:
سخنگوی جدید وزارت خارجه امریکا گفته توسعه موشک‌های بالستیک از سوی ایران تهدیدی جدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شه افکر کنم منظورش امنیت خودش و اسرائیل بوده و گرنه که امنیت منطقه ما دقیقاً به علت توان موشکی ایرانه.

حسنین حداد:
از کابوس دشمن موشک خرمشهر ۴ - خیبر رونمایی و عمر صهیونیست کوتاه‌تر شد. #الله_اکبر

ناصر کنعانی:
رونمایی از نسل چهارم موشک بالستیک خرمشهر با نام خیبر، تولید وزارت دفاع ج.ا.ایران، همزمان با سوم خرداد سالروز آزادی خرمشهر و چهارم خرداد روز دزفول مقاومت و پایداری، نماد دیگری از اقتدار دفاعی در کنار سیاست خارجی عزتمندانه کشور در تأمین امنیت و منافع ملی #ایران مقتدر و مستقل است.

سمیه قنبری:
اسم خیبر همان طور که برای ما نماد عزت و سربلندی بوده، ولی در مقابل صهیونیست ازش خاطره خوبی نداره... ان‌شاءالله به امید آزادسازی قدس.

کفش‌هایت برای من!

مجتبی لشکربلوکی در کانال تلگرامی خود نوشت: پیتر سینگر (فیلسوف معاصر و استاد دانشگاه پرینستون) ما را در یک موقعیت جالب اما متفاوت قرار می‌دهد: فرض کنید که دارید در پارک قدم می‌زنید می‌بینید کودکی در حال غرق شدن در دریاچه‌ای کم عمق است، اگر سریع تصمیم بگیرید و بپرید در آب او نجات پیدا می‌کند فقط کفش گران قیمتی که پوشیدید خراب می‌شود. آیا ما آن کودک را نجات می‌دهیم؟ قاعدتاً می‌گوییم که قید کفش‌مان را می‌زنیم و به آب می‌زنیم و او را نجات می‌دهیم.
تا اینجا سخت نبود، گیر قضیه سؤال دوم است: سؤال بعدی او این است که چه تفاوتی وجود دارد بین آن کودکی که جلوی چشم ما افتاد توی آب و شما به راحتی می‌توانید نجاتش بدید با کودکان دیگری که ما می‌دانیم با هزینه بسیار کمتر از کفش لوکسمان می‌توانستیم جانشان را نجات بدیم؟ اگر الان از طریق مؤسسات نیکوکاری به کسانی که گیر یک‌میلیون تومان پول هستند، کمک نکنیم در واقع انتخاب کردیم که کفشمون خراب نشه. یعنی بین کودکان نیازمند و کفش لوکس، دومی را انتخاب کرده‌ایم.
ما هر بار که پول‌مان را صرف امور تجملاتی (و نه کارکردی) می‌کنیم مانند لپ‌تاپ آخرین سیستم، موبایل آخرین مدل، ماشین گران قیمت، خانه لوکس، بلیط صف اول کنسرت، بوت و نیم بوت مارک‌دار، پالتوی اشرافی، لوستر آنچنانی و مبلمان تشریفاتی و هر نوع هزینه تجملاتی در واقع انتخاب کرده‌ایم که آن کودکان بمیرند! به همین راحتی! چون با هزینه بسیار کمتر از آن ماشین لوکس می‌شد ده‌ها بلکه صدها کودک را نجات داد.

شش آموزه کلیدی
کتاب The Most Good You Can Do که در ایران نیز ترجمه شده نوشته همین پیتر سنگر است. شش آموزه جالب این کتاب را با هم مرور کنیم:
۱) اخلاقی زیستن صرف اجتناب از رفتارها و گفتارهای غیراخلاقی نیست (اخلاق منفی گریز) بلکه باید تا جای ممکن به دیگران خیر رساند (اخلاق مثبت گرا).
۲) دگردوستی سنجش‌گرانه و عقلایی بسی والاتر از دگردوستی هیجانی-احساسی است. اگر من به خاطر التیام خاطر یا همدردی به کسی کمک کنم خوب است اما پیتر سنگر می‌گوید که کرامت و سخاوت باید با عقلانیت همراه باشد. خیر و خرد باید با هم باشند. بدان معنا که من همواره از خودم به بپرسم که اکنون این زمان و توان و امکان محدودم را به چه کسی و چه چیزی و در کجا باید تخصیص دهم که بیشترین بازده مثبت جمعی را داشته باشد؟ کمک به تأمین آب آشامیدنی در کشور الف یا زلزله‌زدگان کشور ب. به گروهی که به پایان کارتن خوابی می‌اندیشند یا به گروهی که بر درس خواندن کودکان محروم متمرکزند؟
پیتر سنگر در ویدیویی که برای ترجمه کتابش در ایران داشت گفت در اسلام توصیه شده بخشی از ثروت را به فقرا انفاق کنیم. خیلی از اهل انفاق فکر می‌کنند مهم نیست که کمک‌شان چقدر مؤثر باشد. این درست نیست. برخی کمک‌ها ۱۰ برابر، برخی ۱۰۰ برابر مؤثر است و برخی دیگر اینگونه نیستند. او تأکید دارد که انجام عمل خیر باید خردمندانه باشد.
۳) ما به مواردی که در مجاورت و در جلوی چشم ما رخ می‌دهد بیشتر واکنش نشان می‌دهیم. برای آنکه در دام دگردوستی هیجانی، احساسی، واکنشی و شخصی نیفتیم استفاده از نهادهای حرفه‌ای نیکوکاری روش مناسبی است. نباید فقط به مواردی که جلوی چشم‌مان است تمرکز کنیم.
۴) خیر رساندن فقط کار خیریه و صرف پول نیست. زمان، اعتبار، آبرو و ارتباطات‌مان را می‌توانیم صرف بهبود اوضاع انسان و جهان کنیم. برای اینکار باید هزینه‌های زندگی‌مان را محدود به ضروریات و رفاهییت معمولی کنیم و از رفاهییت لوکس و تجملات چشم پوشی کنیم. برای اینکار باید رشته تحصیلی و شغل‌مان را گونه‌ای انتخاب کنیم که بیشترین خیر عمومی را تولید می‌کند. اصلاً باید تلاش کرد که چندین برابر درآمد داشته باشیم تا بیشتر صرف امور نیکوکارانه کنیم.
۵) بر خیری که شخصاً می‌توانیم برسانیم باید تمرکز کنیم، نه بر مسائلی که باقی می‌مانند یا حلشان دست ما نیست. کاهش دادن رنج و زشتی، چه در انسان و چه در جهان طبیعت، مطلوب است، حتی اگر از بین بردن برخی رنج‌ها فعلاً ممکن نباشد.
۶) با رساندن بیشترین خیر به دیگران، سبب تعالی خودم می‌شوم. من با کمک کردن هیچ منتی بر دیگری ندارم چراکه خودم تعالی یافته‌ام. به عبارت دیگر ما به نیازمندان محتاجیم نه برعکس.

تجویز راهبردی
اگر به فکر توسعه ایران هستیم فرهنگ دگرگزینی عقلایی را ترویج کنیم. دگردوستی سنجش گرانه و عقلایی همان چیزی است که به آن محتاجیم. تا از خود محدود به «خود تعمیم یافته» برسیم. از «انتظار برای دستاوردهای بزرگ» به «اقدام برای نتایج کوچک» (نیلوفران آبی) مهاجرت کنیم و از کمک‌رسانی با سه ویژگی «هیجانی-مالی-شخصی» به خیررسانی «عقلایی-چندبعدی-نهادی» گذر کنیم. از کفش‌مان (کمیت زندگی) به خاطر کیفیت زندگی بگذریم.

چالش اصلی اوغلو در دور دوم انتخابات ترکیه

محمد مطلق در توئیتی نوشت: نظرخواهی خیابانی از شهروندان ترکیه نشان می‌دهد آرای اوغان نه به سبد اردوغان که به سبد قلیچدار اوغلو خواهد رفت. با این همه چالش اساسی کمال این است که او هنوز نتوانسته تعادلی بین طرفداران ملی‌گرا و ناسیونالیست کردی برقرار کند. هر طرف را که می‌گیرد، طرف مقابل ناراضی می‌شود.

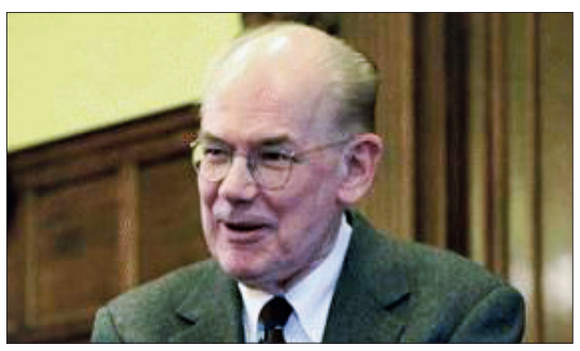

چرا صدای پروفسور مرشایمر شنیده نمی‌شود؟

شهاب اسفندیاری توئیت کرد: پروفسور جان مرشایمر، از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان علوم سیاسی امریکا: «من ۷۵ ساله‌ام و همه عمرم در این زمینه کار کردم و تاکنون هیچ مقامی چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه حتی یک‌بار از من نظری در هیچ موضوعی نپرسیده است.» او نویسنده کتاب «لابی اسرائیل و سیاست خارجی امریکا» است.

دختران و سرمایه عاطفه

رها عبداللهی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: بیشتر ما روایات زیبای پیامبر اکرم(ص) درباره دختران را شنیده‌ایم که بیشتر آنان بر محبت و مهربانی و لطافت دختران تأکید دارند و آنان را نماد رحمت الهی و نجات والدین و یار و غمخوار و مونس آنان معرفی کرده‌اند.
حضرت رسول (ص) برای زدودن فرهنگ پوسیده ضدزن جاهلی تلاش بسیاری کردند و اینگونه روایات هم در جهت همین تلاش است. اما خطاست تصور شود این همه تعریف و تمجید از زنان و دختران صرفاً برای تعدیل جامعه به قهقرا رفته آن دوران بوده و تاریخ مصرفش محدود به همان زمان است. ایشان معلم همه انسان‌ها هستند و مقصودشان توجه دادن همه انسان‌ها به ویژگی‌های دختران است.
بیشتر این روایات دختران را دلسوز، مونس پدر و مادر، مددکار آنان و موجب برکت و پاکیزگی معرفی کرده‌اند. همه این ویژگی‌ها منشایی مشترک دارند و آن، عاطفه دختران و زنان است. عاطفه دختران موجب می‌شود در روابط خانوادگی فقط به دلایل منطقی بسنده نکنند و برای کارهایشان عاطفه را بیشتر پیشران قرار دهند. همین می‌شود که بسیاری دختران با جان و دل به والدینشان خدمت می‌کنند و از آن لذت می‌برند. همین صفت منشأ پذیرش تمام سختی‌های مادری است که زنان با تمام وجود به جان می‌خرند و تحمل می‌کنند.
تربیت اسلامی نیز این صفات را برای زنان ستایش می‌کند، چراکه روابط انسانی با همین صفات زنان است که جان می‌گیرد. خدای سبحان، زن را با سرمایه عاطفه آفرید تا معلم رقّت باشد و پیام عاطفه بیاورد. اگر جامعه‌ای این درس رقّت و عاطفه را ترک نمود و به دنبال غریزه رفت، به همان فسادی مبتلا می‌شود که در غرب ظهور کرده است.

پول داغ چیست؟

کانال تلگرامی «اقتصاد به زبان ساده» نوشت: پول داغ (Hot Money) به پول سرگردانی گویند که در پی دریافت سود کوتاه مدت بالا به سرعت از بازاری به بازار دیگر انتقال پیدا می‌کند. برای مثال این پول وارد بازار ارز و طلا شده و پس از کسب سود بالا در دوره زمانی نسبتاً کوتاه و افول آن به دنبال بازار دیگری گشته و از بازار ارز و طلا خارج و وارد بازار بعدی خواهد شد.
در صنعت بانکداری نیز در بسیاری از مواقع بانک‌ها با ارائه نرخ‌های بالای سپرده یا گواهی سپرده در پی جذب این وجوه می‌باشند. مبالغ بالای این وجوه سرگردان و مقدار جذابیت بازارهای موازی در بسیاری از مواقع باعث تغییر نرخ‌های بانکی می‌شود. به‌طور معمول وقتی رشد نقدینگی بسیار فراتر از رشد تولید باشد امکان تحقق پول داغ در اقتصاد فراهم می‌شود.

ماجرای تاریخی بدهی‌های امریکا

کانال تلگرامی «مطالعات راهبردی امریکا» به نقل از «سی‌سی تی‌وی» خبر داد: مشکل ریشه‌دار بدهی دولت امریکا بار دیگر توجهات جهانی را به خود جلب کرده است، زیرا جنت یلن، وزیر خزانه داری امریکا اخیراً هشدار داده است که در صورت عدم توجه به سقف بدهی، دولت امریکا ممکن است به زودی از اول ژوئن نکول کند. بدون اقدام به موقع کنگره، دولت امریکا قادر به پرداخت بدهی‌های خود نخواهد بود که به طور بالقوه اقتصاد این کشور را فلج و ثبات مالی جهانی را تهدید می‌کند.
از قرن هجدهم، دولت امریکا تقریباً همیشه کسری مالی داشته است و تقریباً هر دولت به استقراض متکی بوده است. از زمانی که کنگره امریکا در سال ۱۹۱۷ قانونی را برای محدود کردن میزان بدهی دولت تصویب کرد، سقف بدهی این کشور بیش از ۱۰۰ بار افزایش یافته است و در سال‌های اخیر، میزان کسری بودجه امریکا افزایش یافته است. در ژانویه، این کشور به سقف بدهی فعلی ۳۱/۴ تریلیون دلاری خود رسید، رقمی که به خودی خود بیش از ۲۵۰۰ برابر بیشتر از سقف بدهی اصلی ۱۱/۵ میلیارد دلاری است که در سال ۱۹۱۷ تعیین شده بود. از سال ۱۹۶۰، امریکا سقف بدهی خود را حدود ۷۸ بار افزایش داده است. در طول سه دهه گذشته، کل بدهی دولت امریکا وارد مرحله گسترش شتابان شده است.
در سال ۱۹۹۰، این رقم حدود ۳/۲ تریلیون دلار امریکا بود، اما تا سال ۲ هزار به ۵/۶۲ تریلیون دلار افزایش یافت. ۱۰ سال بعد، کل بدهی به حدود ۱۳/۵۶ تریلیون افزایش یافت و دوباره دو برابر شد و تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۲۷/۷۴ تریلیون دلار رسید.
در حال حاضر از سقف ۳۱/۴ تریلیون دلاری عبور کرده است و بسیاری موضوع بدهی امریکا را «به شدت در حال رشد» توصیف می‌کنند زیرا اوضاع به طور فزآینده‌ای خارج از کنترل به نظر می‌رسد. هدف اصلی از تعیین چنین سقف بدهی بیش از یک قرن پیش، جلوگیری از «هزینه‌های بیش از حد» با کنترل ترازهای دولت بود. با این حال، اخیراً، با تعطیلی مکرر دولت به دلیل اختلافات بودجه‌ای و نزاع‌های سیاسی، به ابزاری برای تحزب بین دو حزب اصلی سیاسی تبدیل شده است.
در همین حال، مخارج دو دولت گذشته بیش از حد افزایش یافته است و این امر بر ابعاد کلی این مشکل دامن می‌زند. دولت ترامپ برای کاهش هزینه‌ها، بر مالیات‌ها فشار آورد، در حالی که دولت بایدن سرمایه‌گذاری زیرساختی بیشتری را دنبال کرد. افزایش مستمر هزینه‌های نظامی، و هزینه‌های هنگفت ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹، همگی موضوع سقف بدهی‌ها را ضروری‌تر کرده است، زیرا وضعیت بیش از پیش متزلزل‌تر می‌شود.

در باب تاریخچه حق‌آبه هیرمند

حمید کثیری در کانال شخصی خود در پیام رسان ایتا نوشت: در زمان پهلوی اول - سال ۱۳۱۷ - قراردادی با دولت موقت افغانستان منعقد می‌شود و طبق آن حق‌آبه هیرمند به صورت ۵۰ - ۵۰ بین دو طرف تقسیم می‌شود. اما در زمان پهلوی دوم - سال ۱۳۵۱ - امیر عباس هویدا به دستور شاه پای قراردادی را امضا می‌کند که سهم حق‌آبه ایران از ۵۰ درصد به ۱۴ درصد تنزل پیدا کرد. چرا؟! تنها به دلیل جلوگیری از غلتیدن افغانستان به دامان شوروی. همین باعث شد که اسدالله علم - جعبه سیاه پهلوی - در جلد ششم از کتاب خاطرات خود بنویسد:
«کابوس مرا در خود فرو می‌برد. مدتی راه می‌رفتم، مدتی فکر می‌کردم. چندین دفعه استعفای خود را نوشتم، باز پاره کردم. فکر می‌کردم کار گذشته را استعفای من دوا نمی‌کند... هزار بار به نعیم‌خان [نماینده افغانستان] درود فرستادم و به دولت لعنت. مرتیکه مثل شیر آمد و تهدید کرد که اگر می‌خواهید کمک به ما را در گرو آب هیرمند نگاه دارید، ما نمی‌خواهیم! و این بدبخت‌ها آنقدر از چپ‌گرایی افغانستان ترسیدند که همه شرایط را قبول کردند و بالاخره دیشب [ضربه] آخر را زدند. کسی چه می‌داند شاید هم از باب ارباب‌های نامریی دستور ارتکاب این خیانت را داشتند... به حدی بدحال بودم که به دفتر کار خود هم نرفتم. یکسر به سراغ یار و شراب شتافتم. مدتی شراب خوردم و گریه کردم... البته این خیانت ۱۰، ۱۵ سال دیگر ظاهر می‌شود که من مُرده‌ام.»
پن: هر چند امروز کار به بحران رسیده اما به متلک‌پران‌ها باید تاریخ را یادآوری کرد...